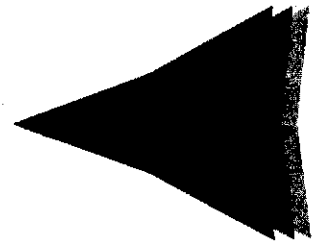


باید حد شرعی را اجرا کند. کسی که حد نه کردن اوست (۱)

چه کسی می تواند حکم شلاق زدن بدهد؟ چه کسی می تواند شلاق بزند؟



دکتر سید مصطفی محقق داماد

شلاق زدن عده ای از جوانان کشور طی هفته های اخیر، که متمم به ارتکاب جرایمی بودند، و انعکاس موضوع در سطح بین المللی، انتقادهای وسیعی را در خارج و داخل در پی داشت، نشریه گزارش با توجه به ابعاد مسأله، اقدام به درج بخشی از یک مطلب مفصل تحقیقی به نام نظریه اقامه حدود از کتاب فواید فقه (۲) اثر دکتر سید مصطفی محقق داماد در مورد مخالفان و موافقان صدور دستور اقامه حدود می کند.

در این کتاب دو نظریه متقابل که از زمان های بسیار دور مطرح بوده (از زمان محقق حلی در قرن هفتم هجری و صاحب جواهر تا دوران آیت الله حاج

طبق مصالح روز اجرا شود. در این کتاب آمده است:

موضوع اقامه حدود و یا تعطیل آن در زمان غیبت معصومین (ع) از مسایل پرماجرا در فقه امامیه است. ماجرا به اندازه ای حاد است که فقهای امت را در دو جناح متقابل به صف بندی واداشته و به ارایه نظریات کاملاً متفاوت در مقابل یکدیگر پرداخته اند و متأسفانه در برخی مواقع از تسامح و تحمل خارج و اندکی به کلماتی شبیه به تلخ گویی وادار شده اند. محقق حلی، فقیه نامدار قرن هفتم هجری، در کتاب شرایع قاطعاً می گوید:

لا يجوز لأحد إقامه الحدود إلا الإمام عليه السلام في وجوده أو من نصبه لأقامتها. (۳)
در زمان حضور امام (ع) هیچ کس جز او و یا

آنچه میان برجسته ترین فقهای شیعه، از قدیم تا کنون، مشترک بوده و هست، این است که غیر از شخص فقیه عادل امین جامع شرایط فتوا، کسی مجاز به اقامه حدود شرعیه نیست

کسی که از سوی او برای این سمت منصوب شده، مجاز نیست که اقامه حدود نماید.

و سپس قول به جواز اقامه حدود در زمان غیبت را به افرادی بدون ذکر نام منتسب می سازد به شرح زیر:

وقيل يجوز للفقهاء العارفين إقامه الحدود في حال الغيبة. (۴)

و گفته شده که فقیهان آگاه [جامع شرایط] می توانند در حال غیبت امام معصوم (ع) اقامه حدود نمایند.

از فقهای نامدار معاصر امام خمینی - طاب ثراه - در تحریر الوسیله در آخر بخش امر به معروف

سید احمد خوانساری، آیت الله حاج سید ابوالقاسم خوبی و حضرت امام خمینی (ره) مورد بحث قرار گرفته و به سیر تاریخی مسأله حد با نثر فارسی بسیار روانی پرداخته شده است. جالب توجه این که در میان این بزرگواران که کتاب ها و نظریاتشان در حال حاضر نیز در برخی از حوزه های علمی در ایران و دنیا تدریس می شود، عده ای معتقدند در زمان غیبت معصوم، حدود شرعیه فقط و تنها به وسیله مجتهدین جامع شرایط بدون هرگونه نیابت قابل اجراست.

و عده ای متقابلاً معتقدند در زمان غیبت، مجازات ها باید از طریق تعزیرات و تصمیمات حاکم

و نهی از منکر چنین نظر می دهند:

مسأله ۱: لیس لاحد تکفل الامور السیاسیه کاجراء الحدود و القضاییه و المالیه کاخذ الخراجات و مالیات الشرعیه الا امام المسلمین (ع) و من نصبه لذلك.

مسأله ۲: هیچکس نمی تواند امور سیاسی مانند اجرای حدود و قضاوت و مالیه نظیر اخذ خراجات و مالیات های شرعی را متکفل گردد مگر امام مسلمین (ع) و کسی که از سوی او منصوب است.

نویسنده کتاب در آخر بحث، تحت عنوان نقد و بررسی چنین آورده است:

نگارنده نمی خواهد که میان این دو نظریه متقابل داوری کند و نظر اجتهادی خود را بیان نماید، و صرفاً به ذکر برآیند بحث و چند نکته قابل توجه در جنب آن بسنده می کند. ۱- باید توجه داشت که مخالفت با جواز اقامه حدود در زمان غیبت معصوم به معنای انکار نظریه ولایت فقیه نمی باشد، چرا که میان این دو مبحث به اصطلاح اهل منطق رابطه عموم من وجه برقرار است. ممکن است افرادی قایل به نظریه ولایت فقیه به معنای رایج نباشند ولی معتقد باشند که فقیهان جامع شرایط می توانند قضاوت و اقامه حدود نمایند. آیت الله خوبی - طاب ثراه - از این دسته می باشد.

و ممکن است کسی قایل به ولایت فقیه باشد ولی حدود اختیارات او را به اجرای حدود یا جهاد با کفار تسری ندهد. محقق کرکی در رساله نماز جمعه خود می گوید:

اتفق اصحابنا علی ان الفقیه العادل الامین الجامع شرایط الفتوی المعبر عنه بالمجتهد فی الاحکام الشرعیه نایب من قبل الله البدی (ع) فی حال الغیبه فی جمیع مالئنیابه فیه مدخل، و ربّما استثنی الاصحاب القتال و الحدود. (۵)

یعنی: اصحاب امامیه اتفاق نظر دارند در این که فقیه عادل امین جامع شرایط فتوی که از او به مجتهد